

اعطای وام ۴درصدی به مالکان فیلم‌های زیان دیده‌از کرونا

● گروه هنر: تفاهم‌نامه حمایت از مالکان فیلم‌های زیان دیده از کرونا در اکران بهار ۹۹، بین بنیاد سینمایی فارابی و صندوق اعتباری هنر به امضا رسید.

به گزارش روابطعمومی بنیاد سینمایی فارابی، پس از اعلام سیاست سازمان سینمایی مبنی بر حمایت از فیلم‌های متقاضی اکران بهار ۱۳۹۹، صاحبان ۲۱ فیلم (غیر از فیلم‌های دولتی) که به دلیل شرایط پیش‌آمده در کشور بابت شیوع بیماری کرونا و تعطیلی سالن‌های سینما در اکران عید نوروز و عید فطر به آنها ضرر و خسارت وارد شده است، وام چهاردرصدی ۳۰۰میلیونی می‌گیرند. بر اساس این خبر، تفاهم‌نامه تأمین اعتبار صدور این تسهیلات بین بنیاد سینمایی فارابی و صندوق اعتباری هنر در قالب قرارداد متمم به امضا رسیده است و ۲۱ فیلم از سوی بنیاد سینمایی فارابی برای دریافت وام معرفی شده‌اند. وام در نظر گرفته‌شده بلافاصله پس از تکمیل پرونده، از سوی صندوق کارآفرینی امید به مالک فیلم پرداخت خواهد شد.

اجرای کنسرت آنلاین علیرضاقربانی درتالاروحدت

● گروه هنر: کنسرت آنلاین علیرضا قربانی امروز (پنجشنبه هفتم خرداد) در تالار وحدت برگزار می‌شود.

به گزارش روابطعمومی و امور بین‌الملل بنیاد رودکی، علیرضا قربانی امروز هفتم خرداد ساعت ۲۱ در تالار وحدت روی صحنه می‌رود. در این کنسرت، قطعات «روزگار غریب»، «بوی کیسو»، «عاشقانه نیست»، «بل»، «ارغوان»، «عشق آسان ندارد» و «مدار صفر درجه» اجرا می‌شوند.

این رویداد با مشارکت بنیاد فرهنگی- هنری رودکی، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران و همکاری دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تلویزیون تعاملی «تیوا» برگزار می‌شود و علاقه‌مندان برای دیدن این کنسرت می‌توانند به نشانی www.Tva.tv مراجعه کنند. اجرای علیرضا قربانی، هفتمین کنسرت آنلاین از تالار وحدت است.

سلامتی «آندره آبولجی» بعداز ابتلابه کرونا



● گروه هنر: «آندره آبولجی»، خواننده مشهور اپرا، ابتلا به بیماری کرونا را تأیید کرد؛ هرچند اکنون در سلامت کامل به سر می‌برد. به گزارش خبرگزاری‌ها، پیش از این، «بولجی»، خواننده نامدار ایتالیایی، ۲۴ فروردین (۱۲ آوریل) با اجرای کنسرت آنلاین «موسیقی برای امید» در کلیسای جامع شهر میلان، رکورد تماشای آنلاین یک کنسرت موسیقی در نوع خود را در شبکه اجتماعی یوتیوب ثبت کرده بود. «بولجی» با انتشار پستی در صفحه «فیس‌بوک» خود دلیل پنهان‌کردن خبر ابتلا به کروناى خود را نگران‌نکردن طرفدارانش و تلاش برای حفاظت از حریسم خصوصی خانواده‌اش عنوان کرد. او نمونه خود را برای انجام تحقیقات بیشتر و کمک به کشف داروی ویروس کرونا اهدا کرده است. این خواننده ایتالیایی نخستین‌بار در جریان مصاحبه‌ای با نشریه «وال‌استریتژورنال» از ابتلای خود و اعضای خانواده‌اش به ویروس کرونا خبر داد. اجرای آنلاین روز عید پاک «بولجی» در ۲۴ ساعت نخست خود به بیش از ۲۸ میلیون و تا روز بیست‌وششم می به بیش از ۴۰ میلیون بازدید رسید.

● در گفت‌وگوی اختصاصی «شرق» با محمدمهدی طباطبایی‌نژاد با تیتَر «در جلسه شورای صنفی نمایش چه گذشت» مورخ ۲۳ اردیبهشت، سهوا نام نماینده کانون کارگردانان به‌جای انجمن سینماداران درج شده بود که به این وسیله تصحیح می‌شود. اصل متن به این شرح است: «... مثلا انجمن سینماداران از دو روز قبل نماینده خود را کتبا معرفی کرده بود. اما کانون کارگردانان چنین کاری نکرد. درحالی‌که فقط شفاها آقای امیر یوسفی را به‌عنوان نماینده خود معرفی کرده بودند...».

دراکنش به قتل رومینا اشرفی به‌دست پدرش

عیاری: لطفا «خانه پدری» را دوباره اکران کنید



واکنش خود به قتل این دختر به «ایسنا» گفته بود: «این اتفاق‌ها در ایران رخ نمی‌دهد. من این شایعات را باور نمی‌کنم».

عیاری در گفت‌وگوی کوتاهی با «شرق» درباره نوع واکنش خود که به‌گونه‌ای کنایه استنباط شده بود، عنوان کرد: «من درباره داستان و مشکلات پیرامون زیاد گفته‌ام. دیگر باید چه می‌گفتم تا همگان باور کنند که داستان فیلم من مبتنی بر واقعیت است؟».

او در ادامه درباره تأثیرات فیلم بر شکل‌دهی افکار عمومی توضیح داد: «به یاد می‌آورم روزی که فیلم «بودن یا نبودن» را می‌ساختم، پروفیسور ماندگار می‌گفتند ما در نهایت خوش‌بینی برای پیداکردن کسانی که بپذیرند قلب عزیز از دست‌رفته‌شان را به بیمار نیازمند اهدا کنند نهایتا به زحمت به سالی سه یا چهار نفر محدود می‌شدند، اما زمانی که فیلم «بودن یا نبودن» از تلویزیون پخش شد، آن‌قدر داوطلبان اهدای قلب زیاد شد که واقعا وقتی برای پاسخ‌گویی به همه آنها نداشتیم! حالا حکایت «خانه پدری» همین است. اگر مخالفت‌های بی‌مورد درباره این فیلم

وجود نداشت و اجازه می‌دادند که فیلم به شکل وسیع اکران شود، شاید پدر خانم اشرفی این فیلم را می‌دید و کمی فکر می‌کرد. همه ما باید بدانیم این مسئله بسیار مهم است و نمی‌توان به راحتی از کنار آن گذشت».

کارگردان فیلم «کاناپه» در برابر این پیشنهاد که «اگر دوباره امکانی فراهم شود تا فیلم «خانه پدری» اکران شود، چه واکنشی خواهد داشت»، گفت: «قطعا موافق آن خواهم بود، چون مردم باید چنین فیلم‌هایی را ببینند. اصلا همین الان درخواست می‌کنم فیلم «خانه پدری» را دوباره به‌خاطر مردم و حفظ امنیت و سلامت روان جامعه اکران کنید».

«خانه پدری» در سال ۱۳۸۹ ساخته شد. به دلیل یک صحنه قتل حدود یک دهه اکران نشد و در نهایت سال گذشته امکان اکران محدود پیدا کرد. داستان این فیلم از اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی آغاز می‌شود و درباره پدری است که به همراهی پسرش، دخترش را به جرم اینکه آبروی خانواده را برده است، می‌کشد و در خانه‌اش به خاک می‌سپارد.

کشیش نور زمستانی برگمان، ایمانش را از دست داده و از ادامه زندگی عاجز و ناتوان است؛ غافل از اینکه در جست‌وجوی ایمان بودن و تمایل به ایمان آوردن، خود به تنهایی نوعی اعتقاد و ایمان است. کشیش با گرمی اغراق شده با صورتی سفید در فیلم ظاهر می‌شود که نشانه‌هایی ترک ایمان از وجودش را نمایش می‌دهد؛ گویی بدون ایمان، مرده است و دیگر وجود خارجی ندارد. وقتی گفت‌وگوی ملال‌آورش با روان‌پزشک تمام می‌شود و دکتر از او می‌خواهد برود، نمی‌تواند و همچون زوج‌های بکثی در انتظار گودو که تصمیم به کاری می‌گیرند اما از انجام‌دادن آن عاجزند، بر جای خود باقی می‌ماند. یک Hets با اضطراب و رنجی درونی که تبدیل به رنجی جسمی شده و او را از کار انداخته است.

نوع نگاه اندرسون به هستی که با احساسات ژرف انسانی همراه

است، در نوع به‌کارگیری دوربین که به شخصیت بدل می‌شود،

به گونه‌ای تبیین شده که شفقت و همراهی خیرخواهانه‌اش

با انسان مستاصل و رهاشده را در نوع میزانشن و زاویه دوربین و

عناصر ارکانیک طبیعت، آشکار می‌کند. نگاه کنید به صحنه‌ای که

در آن دندان‌پزشک مسئله‌دار، بیمار خود را رها می‌کند و می‌رود.

در پس‌زمینه، دانه‌های ریز برف در قاپ پنجره‌ای کوچک به آرامی

می‌بارند. معنای تلویحی فضاسازی فوق به گونه‌ای است که برف را

به‌عنوان شخصیتی ماورائی همراه رنج‌های بشری می‌کند و کارکردی

همدلانه دارد.

در صحنه بعد وقتی دکتر با مسئله درونی‌اش در کنار جمعی در کافه‌ای با پنجره‌های فراخ واقع می‌شود، ریزش برف همچون سمفونی باشکوهی به تصویر کشیده می‌شود که می‌تواند تسکین‌دهنده آلام بشری باشد؛ با همان اصالت، بی‌کرانگی و ژرفی سخاوتمندانه که می‌توان از احساسات انسانی توقع داشت. در پایان، همراه با صدای زن نامرئی با پرسه‌زدن در میان اپیزودهایی که قرار است به مفهوم زندگی منتهی شود، ناگهان در می‌پاییم با نوعی بی‌معنایی، تکرار و خلا فلسفی مواجه شده‌ایم که مایه‌های اگزistenzانیالیستی اثر را پررنگ می‌کند. فیلمی که به دنبال کشف معنای بی‌معنایی است. ما همواره در طول زندگی به دنبال تجربه‌های ناب و غیرمعمول هستیم در حالی که شاید تنها چیزی که به آن نیاز داریم رفت، درک ساده هستی و احساسات عمیق انسانی‌مان همچون عیسی مسیح است.

معرفی برندگان مسابقه قرنطینه «گالری گلستان»

یک دیوار در منطقه پنج شهرداری تهران، به ابعاد این اتفاق هنری افزود.

اکنون ۲۶ برنده این جایزه در دو رده سنی زیر شش سال و شش تا ۱۰ سال اعلام شده‌اند. برندگان «گالری گلستان»، سیاوش واسعی، آزاد اسکندری، رامین نجمی و برندگان شرکت روغن‌زیتون مینودشت، پارتا امامی، پارسا زین‌الدینی، آنا امکانی و برندگان شهرداری تهران، کارن کاظم‌توری، نکین شمس‌الدینی، یونا انصار، هلنا راهدار، نسیم پورفتح، مانی نغری، نیروان محمدنژاد، ارغوان قادری‌زاده، دلنیا هاشمی، کیمیا بلالی، مه‌پاس نجارسالکی، ترانه دانایی، سارا آ‌باب‌فینی، ایران اسدزاده، فاطمه افضل، نرگس حسینی‌نژاد، آرام صیاد، نامی تابعیان، غزل رحمانی‌نژاد و آیدا احمدی هستند. علاقه‌مندان می‌توانند آثار برگزیده را در سایت و اینستاگرام «گالری گلستان» تماشا کنند.

نگاهی به فیلم «درباره بی‌کرانگی» ساخته روی اندرسون

زنی زیبا در آستانه زوال



موضوع صحبت‌شان تنها این است که اکنون سپتامبر است یا مردی که اتومبیلش در جاده خراب شده یا زنی که با پاشنه کفشش درگیر است. شخصیت‌هایی متزلزل که عمل‌شان علیت را کمرنگ می‌کند. پیرمردی و مدام بر اهمیت کارهای بی‌اهمیت روزمره‌شان تأکید می‌شود. به همین دلیل است که واکنش شخصیت‌ها در قبال مسئله بیشتر از خود مسئله مطرح می‌شود.

نگاه کنید به اپیزود زنی که با پاشنه کفشش درگیر است و سرانجام کفش‌هایش را درمی‌آورد و بدون کفش از کادر خارج می‌شود. در ادامه، دوربین روی موطبه ایستگاه با مسافران می‌ماند. پیرمردی رویتی می‌شود که از ابتدا نظاره‌گر اتفاق بوده و حالا بی‌تفاوت‌تر از پیش با روزنامه‌اش مشغول می‌شود و بقیه که هر کدام به کار خود مشغول هستند. یا مردی بیچاره و مستاصل در اتوبوس که نمی‌داند چه می‌خواهد و مشککش را بارها با صدای بلند بازگو می‌کند و هیچ‌کدام از مسافران توجهی ندارند یا حتی نسبت به او معترض هستند. خلا و مسئله ژرف عدم ارتباط و تنهایی بشری از درون‌مایه‌های کلیدی فیلم است که بارها در اپیزودهای مینی‌مالیستی دیگر تکرار می‌شود.

یکی از تهمای مرکزی فیلم اندرسون، کشیشی است که همچون

تارا استادآقا: فیلم «درباره بی‌کرانگی» About Endlessness با اروح زوجی گمشده، تنها و شناور بر فراز آسمانی تیره و تار آغاز می‌شود که حسی از اضطرابی ماوراالطبیعه از هستی معنا‌یافته را تداعی می‌کند. زوجی که بر فراز زمینی ویران و آپوکالیپتیک شناورند و حسی مبهم و هراس‌آور و در عین حال بسیار شاعرانه، عجیب و آشنا تداعی می‌شود. فیلم در ابتدای هر اپیزود، با صدای ایدون دایجیتیک زنی (جسیکا لوتاندر) همراه است که در طول فیلم هرگز رویت نمی‌شود. شیوه‌ای که محال‌بودن جسمانیت‌یافتن صدا در قالب مفهوم Combodiment را تجسم می‌بخشد و همچون روحی نامرئی و سرگشته عمل می‌کند که در دنیای زمینی، رها شده تا پاسخی برای معنای زندگی بیابد. ماموریتی هستی‌شناسانه که با نوعی وحشت فلسفی همراه است و مخاطب را نیز با این روح سرگردان همراه می‌کند.

دوربین «اندرسون» حسی از نامرئی‌بودن و وجودداشتن حتی پیش از شخصیت‌های خرده‌پیرنگ‌های اپیزودیک را القا می‌کند، گویی ما به همراه روح نامرئی زن، در حال مشاهده شخصیت‌هایی هستیم که آنها از وجود ما بی‌خبرند. نوعی صدای دراماتیزه‌شده که به ما این امکان را می‌دهد شخصیت نامرئی را تخیل کنیم و حالا که نمی‌توانیم او را ببینیم، خودمان تجسم حاضر صدا شویم و از این طریق با سرک‌کشیدن بی‌پروا در زندگی شخصیت‌های هر اپیزود، رهاشدگی و لذتی دوچندان کسب کنیم. فضاهای تئاتری- استودیویی ساخته‌شده از شهر، خیابان و خانه‌ها که فضایی کاملا خلوت و تک‌افتاده با رنگ‌مایه‌های قهوه‌ای و خاکستری را نشانه می‌روند، همچون فضاهای آثار آنتونیونی در قالب برداشت‌های بلند و عمق میدان، مفهوم خلا (Void) ابزورد، عدم امکان رابطه، مفهوم فلسفی ملال و رنج بشری را برجسته می‌کند و کاراکترها را همچون موجوداتی عقیم، کوچک و بی‌پناه در میان این نوع فضا و پس‌زمینه به تصویر می‌کشد.

فضاهایی که بیابگر روحیات و وضعیت روانی شخصیت‌ها و نمودی از ملال و سترونی درونی‌شان است. در طول فیلم، مدام با شخصیت‌هایی ابزورد مواجهیم که هرگز در موقعیتی مهیب و هولناک واقع نمی‌شوند، قهرمان نیستند و اغلب هیچ کاری برای انجام‌دادن ندارند. مشکلات و معضلات آنها، موضوعاتی ساده و روتین است؛ مثل زوجی که روی نیمکتی در حال استراحت هستند و

